



رضا قاسمی

jeudi, décembre 10, 2009 [پیوندهای ویژه: اوج زیبایی شناسی شرقی \(10\) تصنیف «آمد نسیم صبحدم» از عبدالقادر مراغه‌ای موسیقیدان بزرگ قرن نهم](#)

[هجری، با صدای سپیده رئیس سادات .](#)

پیوندهای ویژه: اوج زیبایی شناسی شرقی (10) تصنیف «آمد نسیم صبحدم» از عبدالقادر مراغه‌ای، موسیقیدان بزرگ قرن نهم هجری، با صدای سپیده رئیس سادات.



دو چیز در کار [عبدالقادر مراغه‌ای](#) هست که در کار هر هنرمندی باشد مرا تسخیر می‌کند:

1 جدیت در کار و در همان حال غافل نشدن از شیطنت و بازیگوشی.

2 خلاق بودن و در همان حال داشتن توانائی توضیح مبانی زیبایی شناسیک کار خود.

در مورد اول، عبدالقادر باکی ندارد که هر جا شعر به پایان می‌رسد اما کرسی‌بندی ملودیک کار هنوز به آخر نرسیده جای خالی شعر را، سرخوشانه، با «ترنم» پر کند: «تننی یا تننی...» یا «یللی یللاها ها ها...».

در مورد دوم، عبدالقادر اولین موسیقیدان بزرگ ایرانی ست که به زبان فارسی در باره موسیقی رساله می‌نویسد آنهم سه تا: «مقاصد الالجان»، «کنز الالجان» و «جامع الالجان». او در توضیح مبانی زیبایی شناسیک کلر خود تا آنجا پیش می‌رود که به کمک حروف الفبا خطی ابداع می‌کند برای ثبت آهنگ‌های خود. کشف رمز از خطی که او برای نت‌نویسی ابداع کرد اگرچه تا به امروز میسر نبوده است، اما این چیزی کم نمی‌کند از ماهیت تلاش‌های او (خوشبختانه ترک‌های ترکیه این آهنگ‌ها را سینه به سینه برای ما حفظ کرده اند. یاشاسین ای برادران ترک!)

بیشتر از این، چیز دیگری هم در موسیقی عبدالقادر هست که نعمت است برای موسیقیدانان امروز ما: نه فقط نوک و نال در موسیقی او نیست که کار او یکسره غنا و سرخوشی است. اگر در نظر بگیریم که این موسیقی محتشم و سرخوشانه را او در یکی از پرآشوب‌ترین دوره‌های ایران ساخته است آنوقت تئوری پردازانی که اندوه و مصیبت موسیقی ایرانی را نسبت می‌دهند به تاخت و تاز مدام بیگانه، باید توضیح دیگری برای این مسئله پیدا کنند.

پیش از این، [یکی دیگر از کارهای عبدالقادر مراغه‌ای](#) را که به همت محمدرضا درویشی و با صدای همایون شجریان اجرا شده است در دوات معرفی کرده ام. این بار، تصنیف **آمد نسیم صبحدم** (راست نقش بسته) را می‌شنوید با صدای [سپیده رئیس سادات](#)؛ صدای تازه‌ای در موسیقی ایرانی. صدایی رسا و در همان حال ترد و شکننده. پارادوکسی که کیفیت دلنشینی به صدای او می‌دهد. تعلیم درست (موسیقی را از نه سالگی آغاز کرده است)، استادان درست و حسابی (پریسا، پرویز مشکاتیان...) و کار مهم او یعنی اجرای شش هفت تائی از آهنگ‌های عبدالقادر مراغه‌ای (آلبومی که در دست انتشار است) نشان می‌دهد که اسباب بزرگی فراهم است. همه چیز بستگی دارد به شرایط پیش رو. امید که این صدا به جایگاه درخور خود برسد.

[اینجا](#)، [اینجا](#) و [اینجا](#) سه اجرای متفاوت خود ترک‌ها از همین تصنیف را می‌توانید ببینید. اما در اجرای سپیده رئیس سادات از کارهای عبدالقادر مراغه‌ای دو نکته تیزهوشانه هست که من سخت می‌پسندم:

1. پرهیز از ارکستر بزرگ و اکتفا به همان سازهای محدود آن دوره (عود، نی، تمبک...). این نکته مهمی است که اروپایی‌ها به هنگام اجرای موسیقی قرون وسطایشان به درستی رعایت می‌کنند.

2. حفظ لهجه‌ی ترکی این تصنیف‌ها. واقعیت این است که این آهنگ‌ها مهاجرند؛ درست مثل خود عبدالقادر. لهجه‌ی این آهنگ‌ها بخشی از هویت آنهاست. می‌ماند یک پرسش اساسی: حالا خط ابداعی عبدالقادر مراغه‌ای، به دلیل اشکالات احتمالی‌اش، خوانا نبود، چرا خود ما ایرانی‌ها این آهنگ‌ها را سینه به سینه حفظ نکردیم؟ کاری که ترک‌ها کردند.

یک پاسخ احتمالی می‌تواند این باشد: برای قرن‌ها ایرانی‌ها، عرب‌ها و ترک‌ها سیستم موسیقینی مشترکی داشتند: مقام. از یک قرن پیش، ما ایرانی‌ها با ابداع سیستم دستگاهی (همین ردیف فعلی) به کل راهمان را جدا کردیم. آیا ممکن است موسیقی عبدالقادر قربانی این تغییر سیستم شده باشد؟ احتمالش هست. بخصوص که با به قدرت رسیدن دولت شیعی صفویان و استیلای فضای مصیبت و گریه بر کشور دیگر جایی نمانده بود برای موسیقی محتشم عبدالقادر مراغه‌ای.

[رضا قاسمی](#)